

آزادی قلم و اخلاق رسانه‌ای

«قلم زبان خداست، قلم امانت آدم است، قلم ودیعه عشق است،

هر کسی را توتمی است و قلم توتم من است، قلم توتم ماست». دکتر علی شریعتی

وقتی اولین کلمه نازل شده در قرآن «اقرأ» (بخوان)، و اولین صفت ذکر شده پروردگار، «اکرم»، و نشانه کرامتش آموزش کاربرد قلم برای آگاه ساختن انسان به آنچه نمی‌دانست باشد؛^(۱)

وقتی برای رفع اتهام جن‌زدگی از پیامبر و ذکر عظمت اخلاق پیامبر، پروردگارش به «دوات و قلم و هر آنچه می‌نویسند» سوگند می‌خورد، ارتباط قلم و اخلاق و آگاهی بیشتر شناخته می‌شود.^(۲)

وقتی در جاهلیتی که تعداد باسوادانش به انگشتان دو دست هم نمی‌رسید، کتابی به خواندن و نوشتن سوگند می‌خورد، چنان سوگندی برای انسان روزگار مدرن بسی پندآموزتر می‌نماید.

توتم نماد و نشانه یک قبیله بود و خیر و شرّی برای دیگری نداشت، زبان که تعلیم داده شد^(۳) و سخنگوی دولت تن گردید، مهارش به وجدان اخلاقی سپرده شد و «ناطق» نقشی فرهنگ ساز برای نسل‌های بعد یافت، به گفته مولوی:

هین بگو کاین ناطقه جو می‌کند تا به نسل بعد ما آبی رسد
گرچه هر نسلی سخن آری بود لیک گفت سالفان یاری بود

ما در فرهنگی شفاهی زیسته و سوای خواص، اکثراً یک قرن پیش نیست به مدرسه یا دانشگاه رفته و سواد اندوخته‌ایم، با این حال هنوز به ملازمات اخلاقی و مناسبات فرهنگ کتبی پایبند و پایدار نگشته‌ایم. عارفان و ادیبان ما نیز گرچه فراوان از فضیلت کم‌گویی و سکوت سخن گفته‌اند، اما به دلیل کم‌بی‌سوادی بیشتر مردم، کمتر به قلمرو اخلاق در قلم وارد شده‌اند.

توصیه‌های اخلاقی قرآن هم به تناسب فرهنگ شفاهی معاصران زمان نزول، بیشتر ناظر به لغزش‌های زبانی در: غیبت، سخن چینی، توهین، تهمت، دروغ، دشنام و مانند آن است، هرچند آسیب‌رسانی همه این موارد در فرهنگی کتبی به مراتب بیشتر است؛ خشونت کلام کجا و خشونت قلم که قوام جمعی را به سُستی می‌کشانند کجا؟

اگر در جوامع استبداد زده برخی ناراضیان برای خالی کردن دق دل خود از حاکمان، و نیز برخی جوانان بی‌فرهنگ برای گشودن عقده نیازهای ارضاء نشده، مکانی جز آبریزگاه‌های عمومی نمی‌یافتند، کامنت‌های لجن مال‌کننده نویسندگان بی‌نام و نشان و آدرسی که پای برخی نوشته‌ها و نظریات در شبکه‌های اینترنتی گذاشته می‌شود، تداعی‌کننده همان فرهنگ لجام‌گسیخته به نام آزادی بیان است!

قرآن برای فهم عمیق‌تر آثار تخریبی «غیبت»، صرف نظر از صورت فردی، جمعی و جنسیتی، آن را به ترور برادر و تغذیه از آن (برای بالا بردن خود) تشبیه کرده است،^(۴) آیا رسانه‌ها و وب سایت‌های مجازی امروز که بُرد و بُعد زمانی و مکانی «غیبت» را هزاران بار وسعت بخشیده‌اند، مشمول این ضوابط اخلاقی نمی‌شوند؟

سخن چینی در فرهنگ ملی و دینی ما بسیار زشت و نکوهیده تلقی می‌شود و در قرآن نیز، در همان سوره قلم، از خط‌مشی سخن چینی تفرقه افکنانه (هماز مشاء بنمیم) مذمت سختی کرده است، با این حال اگر حداکثر بُرد سخن چینی در گذشته از حدّ همسایه و خانواده و خویشان و اهل محل تجاوز نمی‌کرد، در دنیای بی‌در و پیکر رسانه‌ای امروز آثار تخریبی و تفرقه افکنانه این روش بُردی جهانی پیدا کرده است.

نام سوره‌ای در قرآن «هَمَزَه» است، هُمزه همان دفع و طرد‌کننده دیگرانند، اصل کلمه همز شکستن است، برای شکستن وحدت یک جمع عاملی مهم‌تر از بدگویی وجود ندارد. قرآن با فریاد وای! بر سر عیب جویان و طعنه زنان «وَيَلِّ لِكُلِّ هُمَزَةٍ لُّمَزَةً»، ناپسندی چنین شیوه‌ای را به روشنی نشان داده است. در آیه فوق «لُّمَزَةً»، خرده گیر عیب‌جویی است که دیگری را با برجسب تحقیر آمیز فرو می‌کاهد.

حجرات ۱۱ - «...وَلَا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَزُوا بِالْأَلْقَابِ...». این‌ها اخلاقیات مندرس شده قدیمی نیست، مبرم‌ترین نیاز شهروندان در دنیای رسانه‌ای امروز است.

امید است اندیشمندان ما در فرهنگ رسانه‌ای امروز، به جای آرش‌های کمانگیر افسانه‌ای دیروز، با قلم خود مرزهای اخلاقی ایران را در دنیای به هم پیوسته گسترش دهند.

۳- سوره الرحمن آیات ۳ و ۴ - «خَلَقَ الْإِنْسَانَ عِلْمَهُ الْبَيَانَ»

۴- حجرات ۱۲

۱- آیات ابتدای سوره علق.

۲- سوره قلم آیات ۱ تا ۴.